

گت میروخ، گت میروخ

گزارشی از تجمع پرستاران

توضیح: گت میروخ عبارتی است به زبان ترکی و به معنای «نمی‌رویم، نمی‌رویم». این یکی از شعارهای زحمت‌کشان درمان در تجمع بود. در ادامه اهمیت این شعار در تجمع توضیح داده شده است.

اعتصاب پرستاران شیراز در مرداد ۱۴۰۳ واکنش‌های اعتراضی بسیاری را در دیگر شهرها دامن زد. این اعتصابات فضایی پر از امید را برای کارگران درمان در سراسر ایران رقم زد. پس از مدت‌ها امید به این که بتوانند قسمتی از مطالبات به حق خود را به کف آرند و معوقاتی که مدت‌ها با نامه نگاری و وعده وعید پرداخت نشده بود را به زور اعتصاب و تجمع بگیرند، شعله ور شد. این اعتصابات موجی از اعتراضات و اعتصابات را در مراکز درمانی سراسر کشور برانگیخت و بار دیگر ثابت کرد که «هر نوری هرچقدر هم کوچک باشد، بالاخره روشنایی است.»

پس از این شاهد بودیم که زمزمه‌هایی از تجمع اعتراضی در بیمارستان‌های سراسر شهر به گوش رسیده و رفته رفته یک تاریخ و ساعت خاص در روزهای انتهایی مردادماه برای تجمع مشخص شد. روز تجمع پرستاران همچون سایر تجمع‌های صنفی سطح شهر و استان انتظار می‌رفت که جمعیتی نهایتاً صدنفره به محل تجمع بیایند. اما در ساعاتی از تجمع تعداد افراد به چهارصد الی پانصد نفر نیز رسید که این خود بسیار امیدوار کننده بود.

جالب توجه آنکه علاوه بر پرستاران، نیروهای کمک پرستار و خدماتی بیمارستان‌ها نیز با لباس فرم حضور داشتند که این نیز خود نشان دهنده‌ی این است که جنبش نیروهای کار درمان توان این را دارد که بر اختلافات و رقابت‌های بین صنفی فائق آمده و به جنبشی برای مطالبات تمامی زحمتکشان و نیروهای کار بهداشت و درمان بدل شود.

نکته‌ی امیدوارکننده‌ی دیگر حضور پررنگ زنان در تجمع بود. در میان زحمتکشان بهداشت و درمان، نسبت نیروی کار زنان به مردان بیشتر است. از آنجایی که زنان همواره در جامعه تحت ستم‌های مضاعفی بوده‌اند، همواره شاهدیم که در محیط کار عصیان‌گری کمتری از خود بروز داده و این تصور رایج شده که در محیط‌های کاری که نسبت زنان بیشتر است، کمتر شاهد اعتراض خواهیم بود. طبیعی است که برای فضای درمان نیز چنین تصویری وجود داشت. اما در کمال خوشحالی دیدیم که نه تنها این موضوع صادق نبود، بلکه هسته‌ی اعتراضی تجمع را بیشتر زنان شکل دادند و همین افراد نیز قبل از دیگران در محل تجمع حضور داشته، بسیار پرشورتر بوده و دیرتر از همه نیز عرصه را ترک کردند.

این موضوع این امیدواری را خلق می‌کند که در فضای بهداشت و درمان باورهای غلط درباره نقش زنان در مبارزات اجتماعی فرو ریخته و این حتی می‌تواند الگویی برای سایر بخش‌های کارگران و مزدبگیران باشد.

با وجود گرمای هوا و روال معمولی تجمعات صنفی در شهر این احتمال مطرح بود که تجمع حدود نیم ساعت طول بکشد. اما خوشبختانه جمعیتی حدود صد نفر بیش از سه ساعت شعار سر داده و علاوه بر بیان مطالبات مشخص، خواهان حضور رئیس دانشگاه علوم پزشکی شدند. امری که البته محقق نشد و نشان داد که کارگزاران دولت و سرمایه، برای مطالبات نیروهای کار درمان ارزشی قائل نبوده و در این راستا کاری نمی‌کنند مگر اینکه مجبور باشند.

پس از گذشت مدتی از برگزاری تجمع و هنگامی که روشن شد ریاست دانشگاه تصمیمی برای آمدن به میان معترضان ندارد؛ جمعیت با این پیشنهاد از جانب اجیرشدگان ریاست مواجه شد: «برای ادامه‌ی اعتراض و جهت گفتگو به داخل ساختمان ستاد ریاست علوم پزشکی تشریف آورده و صدایتان را به گوش ریاست برسانید». این روش توسط ستاد کل دانشگاه علوم پزشکی چندین بار در دوران ریاست‌های پیشین نیز به کارگرفته شده و آن‌ها را در رسیدن به اهدافشان یاری کرده بود. روال این‌گونه بود که معترضان به داخل ساختمان دعوت شده و به سالن اجتماعات هدایت می‌شدند؛ سپس به بهانه‌ی نبود فضای کافی خودبه‌خود تعدادی مجبور به ترک محل می‌شدند. مابقی افراد نیز همچون مراجعانی عادی در سالن اجتماعات و در انتظار ریاست، آنقدر صبر می‌کردند که علف زیرپایشان سبز شود و سپس رئیس با هیمنه‌ی همیشگی در مقابل ارباب رجوع وارد شده و حرف خود را به کرسی می‌نشاند. نهایتاً هم انتخاب ساعت آغاز و پایان و هم اینکه چه کسانی حرف بزنند و یا چه بگویند نیز با رئیس بوده و در پایان عکس‌های متعددی برای رسانه‌ها از این لحظات دلربا ثبت شده و مراجعان عصبانی به بیرون هدایت می‌شدند. اما این بار معترضان در برابر این حيله‌ی قدیمی فریب نخورده و به درخواست ورود به ساختمان ستاد، با هوو کردن و شعار «گت‌میروخ، گت‌میروخ» پاسخ دادند. سر دادن این شعار و نپذیرفتن پیشنهاد ریاست دانشگاه نشان‌دهنده‌ی گسست از اعتماد زحمت‌کشان درمان به کارگزاران دولت و سرمایه است.

در بخشی دیگر از تجمع یکی از پرستاران عضو نظام پرستاری که به نوعی ریش‌سفید نیز به حساب می‌آمد در مقابل شعارهایی که سرداده می‌شد، شروع به سخنرانی کرده و خواهان تجمع سکوت و سرنگردن شعار مطابق توافقات قبلی نامعلوم شد. در مقابل این فرد، صدای اعتراض بلند شده و از ادامه‌ی سخنان او جلوگیری شد. در عوض پرستاران تا پایان تجمع با سردادن شعار مناسب و سخنرانی‌های چند نفر از معترضان بدون برنامه‌ی قبلی، به تجمع ادامه دادند.

نقطه‌ی عطف و اوج تجمع لحظه‌ای بود که زمان تحویل شیفت بیمارستان‌های نزدیک به ستاد علوم پزشکی فرا رسید. با عبور سرویس‌های بیمارستان‌ها از خیابان‌های نزدیک تجمع، ولوله‌ای در جمعیت شکل گرفت. به یکباره جمعیت به سوی سرویس‌ها روی برگرانده و همکاران را دعوت به پیوستن به تجمع کرد. با تصمیم چند نفر از پرستاران و کمک

پرستاران (هرچند درصد کمی از کل جمعیت) برای شرکت در اعتراض، تعدادی از سرویس‌ها متوقف شده و لحظه‌ای درخشان از همبستگی را به نمایش گذاشته و عزم معترضان را جزم‌تر کرد. البته مابقی کسانی که سرجای‌شان در سرویس‌ها باقی ماندند و از صحنه فراری بودند، با شعارهای مناسب مورد استقبال قرار گرفتند.

پیش از این درمیان کارگران درمان بن‌بست‌هایی برای اعتصاب وجود داشت. اما اکنون بر خلاف قبل نظرها نیروهای کار درمان نسبت به اعتصاب تغییراتی داشته است. درمیان صحبت‌هایی که درباره‌ی تجمع به صورت مجازی و حضوری در میان نیروهای کار درمان درمی‌گیرد، بارها و بارها با موضع واحدی مواجه می‌شویم؛ تعداد قابل توجهی متفق‌القول بر این موضع پافشاری می‌کنند که راهکار نه تجمع و درخواست از فلان رئیس یا مسئول برای حضور و پاسخگویی؛ بلکه اعتصاب دسته‌جمعی در محیط‌های بیمارستانی و به تعطیلی کشاندن آن‌هاست. این موضوع را می‌توان یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌های ذهنی جنبش نیروهای کار درمان دانست. البته نباید فراموش کرد که هنوز کارگران درمان در ابتدای این راه قرار داشته و باید مسیر زیادی را جهت احقاق مطالبات خود بپیمایند.

پیشرفت ذهنی دیگر توافق بر سر این موضوع است که مکان تجمع به جای محیط‌های عمومی سطح شهر بهتر است به داخل محیط‌های کار و نقاطی در آن نزدیکی، ولی مرتبط با مراکز درمانی منتقل شود. این موضوع را می‌توان یکی از بهترین ثمره‌های تجربه‌ی چندسال اخیر تجمعات صنفی دانست که به خوبی توسط مبارزات صنفی نیروهای کار درمان به کار گرفته شد. البته این موضوع برای عده‌ای هنوز تبدیل به قاعده نشده و نشان خواهیم داد که در قرار تجمع بعدی که برای هفته‌ی بعد گذاشته شد چگونه مضرات خود را نشان داد.

با وجود غیرمنتظره و تحسین برانگیز بودن تجمع و فضای اعتراضی نیروهای کار درمان و نقاط قوتی که پیش‌تر ذکر کردیم، اعتراضات پرستاران در این شهر، تا حدودی از ضعف‌هایی جدی رنج می‌برد. باید این ضعف‌ها را به بحث گذاشت و برطرف کرد و گرنه در ادامه کارگران درمان را با مشکلاتی عدیده مواجه می‌کند. لازم است ذکر کنیم که همه‌ی این مشکلات که در ادامه به آن‌ها به صورت مختصر می‌پردازیم به نحوی نتیجه‌ی نبود تشکل صنفی مستقل است.

اولین بروز ضعف‌ها که پیش از آغاز تجمع خود را نشان داد، در واقع در نحوه‌ی هماهنگی و برنامه‌ریزی برای تجمع بود. برنامه‌ریزی مبتنی بر فضای مجازی با وجود اینکه به سرعت می‌تواند به انسان‌های زیادی یک خبر را برساند، اما همزمان این امکان برای همه فراهم است و بدین واسطه نهادهای امنیتی و ذینفعان وضعیت همیشه سعی خواهند کرد در برنامه‌ریزی اعتراضات اختلال ایجاد کنند. به عنوان مثال تنها ساعاتی مانده به آغاز تجمع شایعات زیادی برای تجمع در زمان و مکان‌های دیگری دهن به دهن شده و در گروه‌های مجازی ارسال می‌شد و همین امر سبب شد که تعدادی سردرگم شده و نتوانند به تجمع برسند.

دومین نقطه‌ی ضعف عدم اولویت‌بندی مناسب مطالبات بود. مطالبات تجمع شامل لغو اضافه‌کاری اجباری، افزایش مزد اضافه‌کاری، افزایش تعرفه‌ها و به موقع پرداخت کردن آن‌ها، سه برابر شدن فوق‌العاده خاص، اعمال قانون مشاغل سخت و زیان‌آور و غیره بود. این مطالبات با وجود اینکه بسیار به‌جا و عینی بوده و دقیقاً معضلات کاری و معیشتی نیروهای درمانی را نشانه‌رفته بود اما بسیار شلخته و دسته‌بندی نشده بود. بعضی از مطالبات باید در سطح ملی پیگیری می‌شد، بعضی را ریاست دانشگاه می‌توانست اجرایی کند و بعضی دیگر قابلیت این را داشت که ظرف چند روز حل شود. این مطالبات باید دسته‌بندی می‌شد و بر اساس این دسته‌بندی اولتیماتوم لازم به دانشگاه داده می‌شد - همان‌گونه که در مورد پرستاران بیمارستان‌های شیراز دیدیم. اما این موضوع اتفاق نیفتاد و تمام پافشاری بر این موضوع باقی ماند که رئیس دانشگاه علوم پزشکی باید در میان معترضان حضور یابد. همچنین پایان اعتراض اعلام نشد و موکول به ترک محل توسط هر فرد بر اساس تشخیص فردی گردید که این نیز شکلی نامنظم به لحظات پایانی تجمع بخشید.

سومین نقطه‌ی ضعف عدم سازماندهی مناسب بود. هر تجمع هر اندازه که خودانگیخته هم باشد نیازمند سطحی از برنامه‌ریزی و سازماندهی است. در صورت برقرار بودن سایر شرایط بسته به میزان سازماندهی هر اعتراضی است که می‌توان انتظار برآورده شدن مطالبات آن را داشت. در تجمع اعتراضی ذکر شده این سازماندهی به شدت ضعیف بود. شعارها توسط همه‌ی افراد و به صورت دلبخواهی آغاز می‌شد و پایان می‌یافت، واکنش به نیروی انتظامی فردی بود و این می‌توانست پیامدهای بسیار خطرناکی داشته باشد که خوشبختانه چنین نشد.

یکی دیگر از پیامدهای نبود تشکل صنفی و سازماندهی، نبود برنامه‌ی مشخص برای تجمعات بعدی و در صورت وجود عدم اعلام آن بود. نتیجه‌ی این موضوع تصمیم‌گیری دلبخواهی و عجولانه‌ی برخی برای برگزاری یک تجمع دیگر با فاصله‌ی نزدیک و بدون محاسبه‌ی توان حضور افراد و توزان قوا بود. به فاصله‌ی کمتر از ده روز و بدون اینکه تبلیغات مؤثری شکل بگیرد و تعداد بالایی از افراد اعلام آمادگی کنند؛ قرار تجمع دیگری مقابل استانداری از جانب برخی هماهنگ شد. به علت عوامل ذکر شده کمتر از ده نفر در تاریخ مورد نظر در مقابل استانداری حاضر شده و همین افراد نیز در فضای مجازی شروع به فحاشی و متلک انداختن کرده و این نیز در روحیه‌ی مابقی افراد اثر بسیار بدی به جای گذاشت.

در پایان اگر بخواهیم جمع‌بندی کنیم باید بگوییم که تجمعات و اعتصابات مرداد ماه نشان از تحولاتی امیدوار کننده در میان کارگران درمان داشت. این تجمع گامی کوچک و رو به جلو در مبارزات این زحمتکشان بود. اما نباید فراموش کرد که این صرفاً یک گام کوچک از مسیری طولانی است. مسیری که با همبستگی جمعی این کارگران آغاز شده و ناچار است در مسیر خود از موانع زیادی بگذرد. هر کدام از این موانع به تنهایی می‌تواند مبارزه را از مسیر خود منحرف

کنند. تنها راه کم کردن خطرات این مسیر تشکلیابی متناسب در هر مرحله از مبارزه است. تشکلیابی کارگران درمان ناچار است از درون این مبارزات و از نقطه‌ی صفر آغاز شده و دل به تشکلهای موجود خوش نکند. تشکل نمود عقل و اراده‌ی جمعی زحمت‌کشان درمان برای نقش‌آفرینی در سرنوشت خویش و درس گرفتن از هر مرحله از این مسیر پر پیچ و خم برای مراحل بعدی است.